

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۵/۱۳

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

حمله طالبان بر کونترپارت و آینده صلح



به تاریخ ۱۸ ماه ثور (۱۳۹۸) در اثر حمله گروهی گروه طالبان که شامل یک موتر بمب و چهار تن مهاجم بودند بر مؤسسه «کونترپارت» واقع شهرنو کابل، بعد از شش ساعت درگیری و از پا در آمدن مهاجمان، ۹ تن به شمول شش سرباز کشته و ۲۴ تن دیگر که همه را افراد ملکی تشکیل میدهد زخمی شده اند.

در این حمله که بیشتر غیر نظامیان آسیب دیده اند از سوی رئیس جمهور غنی، عبدالله عبد الله رئیس اجرائی کشور، جان بس سفیر ایالات متحده آمریکا و دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) محکوم شده و ارگ ریاست جمهوری نیز طی اعلامیه ای، این عمل را یک "جنایت" گفته، و تأکید نموده که گروه طالبان باید به خواست صلح جویانه مردم افغانستان پاسخ مثبت بدهند، در غیر آن از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی سرکوب می شوند.

این حمله در حالی از سوی گروه طالبان انجام شد که همزمان با این حمله، دور ششم مذاکرات صلح بین طالبان و زلمی خلیل زاد فرستاده خاص ایالات متحده در امور صلح افغانستان در شهر دوحه کشور قطر جریان دارد. همچنان، این حمله زمانی صورت می گیرد که به تازگی جرگه مشورتی صلح در کابل پایان یافته است. نشست بزرگی که بیش از سه هزار تن از افغانها را برای پنج روز زیر سقف تالار لویه جرگه قرار داد تا در مورد خاتمه جنگ و تحکیم صلح با طالبان صحبت نمایند. در اخیر جرگه، رئیس جمهور غنی به رهائی ۱۷۵ تن از زندانیان گروه طالبان از بند دولت به عنوان علامه حسن نیت در برابر طالبان وعده داده و خواستار آتش بس مشروط در ماه مبارک رمضان گردید.

چرا حمله بر «کونتر پارت»؟

کونتر پارت یک مؤسسه خارجی می باشد که از طرف اداره انکشافی بین المللی امریکا (USAID) تمویل می شود. این نهاد از سال ۲۰۰۵ میلادی به این طرف در افغانستان فعالیت داشته در بخش های توانمند سازی زنان، آموزش خبرنگاران و تقویت جامعه مدنی در ۳۴ ولایت افغانستان فعالیت داشته است. در حدود ۲۰۰ کارمند در دفتر مرکزی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

این مؤسسه مصروف کار بوده اند. اما در خبرنامه گروه طالبان، علت حمله به این نهاد را فعالیت های اشغال گرایانه این نهاد گفته اند. البته در ستراتیژی طالبان در ۱۹ سال جنگ حمله بر مؤسسات خارجی از اهداف درجه یک آنها می باشد و همواره از مردمان ملکی خواسته اند که از مؤسسات خارجی به دور باشند. پیش ازین نیز در اواخر سال ۱۳۹۷ کمپ گرین ولیج را که یک کمپ نظامی خارجی ها در مربوطات حوزه نهم امنیتی شهر کابل می باشد، مورد حمله قرار داده بودند.

هرچند جان بس سفیر ایالات متحده آمریکا در افغانستان مؤسسه کونتر پارت را یک نهاد غیر نظامی گفته این حمله را یک خشونت بی دلیل خوانده است، اما گروه طالبان تفاوت چندانی میان اهداف نظامی و ملکی خارجی قائل نیستند، چنانچه چندی پیش فعالیت های صلیب سرخ را که یک نهاد بین المللی می باشد نیز به اتهام ارتکاب فعالیت های به تعبیر آنها "مشکوک" متوقف ساختند.

جنگ بخاطر موقف برتر در مذاکرات صلح:

از آغاز سال که حکومت افغانستان آغاز عملیات "خالد" را اعلان نمود و به تعقیب آن طالبان از شروع عملیات "الفتح" خبر دادند، تحلیلگران امور ابراز نگرانی نموده، وخامت بیشتر وضعیت جنگی در کشور را طی سال جاری پیش بینی می نمودند. اما عامه مردم، با وصف اعلان های جنگی دوطرفه، امید های زیادی را به تحقق صلح بسته بودند. مذاکرات مستقیم امریکا طالبان در قطر از یک طرف و مذاکرات طالبان با نمایندگان جریان های سیاسی و اجتماعی افغانستان در ماسکو از طرف دیگر، و بالاخره تدویر لویه جرگه مشورتی به دعوت رئیس جمهور در پایتخت کشور، همه مواردی بودند که در ایجاد خوشبینی نسبت به صلح نزدیک، نقش داشتند. اما تشدید حملات حکومت بالای طالبان از یک طرف و به راه انداختن حملات علیه اهداف ملکی توسط طالبان که آخرین نمونه آن حمله بلای مؤسسه کونترپارت در شهرنو کابل بود، نشان داد که راه صلح در کشور هنوز هم طولانی و دراز است. متأسفانه هریک از اطراف؛ هم حکومت اشرف غنی و هم حرکت طالبان در صدد آنند تا سرنوشت صلح را در میدان جنگ رقم بزنند، نه روی میز مذاکره. درحالیکه تجارب تاریخی برعکس اینرا نشان می دهد و قطعنامه صلح نیز تصریح داشت که "جنگ برنده، و صلح بازنده ندارد". صلح، نه از طریق زور آزمایی و خشونت، بلکه از طریق از خود گذری و قربانی و قبول طرف مقابل، صورت گرفته می تواند و بس.

جرگه مشورتی صلح، که فقط یک هفته از تدویر آن می گذرد، نه تنها سبب تقویت روند جاری مذاکرات صلح نگردید، بلکه نوعی بن بست جدیدی را در راستای کوششهای صلح به وجود آورد. شاید گردانندگان جرگه، قبل از تحکیم صلح عاجل، به فکر بقای حکومت فعلی و دوام آن بودند، ورنه در حضور چنان جمع محترمی، نباید این بن بست به وجود می آمد. متأسفانه، بعضی مواد قطعنامه جرگه از جمله؛ بنود ۱۱ و ۱۴، این شکوک را تقویت می بخشد. چنانچه در بند ۱۱ از دخول در مذاکرات از آدرس واحد و افغانستان شمول صحبت گردیده و تلویحاً حق انتخاب تیم نیز به حکومت افغانستان داده شده است. این ماده پیامی جز بستن راه بر کوششهای مستقل صلح ندارد که قبلاً توسط جریانهای سیاسی-مدنی و رجال مهم کشور به شمول حامد کرزی؛ رئیس جمهور سابق، تا حد زیادی مؤفقانه به پیش برده می شد. همچنان، در ماده ۱۴ قطعنامه به رعایت محوریت حکومت افغانستان در هر نوع کوششها و ابتکاراتی که بخاطر صلح براه انداخته می شود، تأکید صورت گرفته است. تأکید برین محوریت نیز معنی دیگری جز تسلیمی طرف مقابل و قبول یک طرفه شرائط حکومت را افاده نمی کند. اگر قبول چنین محوریتی برای مخالفین مسلح ممکن می بود، پس این همه جنگ برای چه؟ شاید سالها قبل؛ در زمان رئیس جمهور اسبق کشور، صلحی صورت می گرفت و جنگ جاری این قدر دوامدار و پیچیده نمی شد.

متأسفانه، بارسنگین بن بست را که جرگه مشورتی صلح تحت رعایت حکومت وحدت ملی در راستای تحکیم صلح به وجود آورده، مردم کشور تحمل می نمایند و ملت مجبور است بخاطر بقای یک حکومت ناکام جوانان بیشتری را قربانی دهد. هر باریکه روند صلح به بن بست رسیده، هردو طرف (هم حکومت و هم طالبان) کوشیده اند، تا موقف شان در روند صلح را از راه جنگ تثبیت نمایند که واقعه حمله بر مؤسسه کونترپارت نیز در همین سیاق قابل تفسیر می باشد.

ضرورت تشکیل دویاره ی جهت میانجی:

یکی از اجدیبات تحکیم صلح در افغانستان، فعال شدن یک مرجع ثالث و بی طرف در میان طرفین متخاصم است که به نحوی با هر دو طرف زبان مشترک داشته و با آنها بدون حجاب صحبت نموده بتواند. این مرجع باید توانمندی آنرا داشته باشد تا به حیث یک جهت میانجی، از راه گفتگو و مذاکره دوامدار با طرفین بالاخره آنها را به میز مذاکره رو در رو نشانده زمینه مناقشه و حل نهایی تمام قضایای مطروحه را فراهم سازد. این مرجع تا جایی، قبل و بعد از کنفرانس صلح مسکو تکوین یافت و اگر به گروپ دوصدو پنجاه نفری با آن ترکیب نا متجانس، تبدیل نشده بود، شک تا حالا قوت بیشتری کسب نموده بود.

حالا هم سر وقت است، قبل از آنکه حملات طالبان علیه آنچه زیر چتر حکومت قرار دارد و حملات حکومت علیه طالبان، تشدید بیشتر یافته و جوانان بیشتری را از ما قربانی بگیرد، حکومت وحدت ملی باید کوششهای مستقل صلح را مانند سابق، ازاد گذاشته در تشکیل گروه مستقل و با صلاحیت مذاکرات صلح با طالبان، همکاری نماید. در غیر آن، بار بیشتر دوام جنگ را بر شانه های خود حمل خواهد نمود. به امید خاتمه جنگ و تحکیم صلح عاجل در کشور.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ